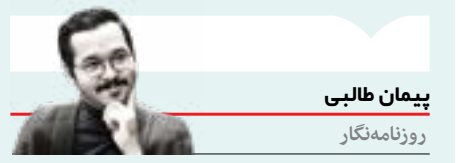


## درباره بهشت همه کتابخوان‌های دنیا

کتابفروشی شکسپیر و شرکا در پاریس را باید بهشت همه کتابخوان‌های دنیا نام نهاد



شکسپیر و شرکا از چوب‌های تیره ساخته شده که موقع راه رفتن، مثل کشتی ققنوس می‌کند و چراغ‌ها و لوسترهای آویخته از سقف آن نوری کم‌رنگ و طلایی در فضای بخش می‌کنند. همچنین بی‌نظمی اندک آن - کتاب‌هایی که کف کتابفروشی روی هم چیده شده‌اند یا در شکاف قفسه‌ها، تنگ هم گذاشته شده‌اند یا کتاب‌هایی که روی پلنه‌ردبان‌ها آرمیده‌اند - زیبایی غیرقابل انکاری به کتابفروشی بخشیده است؛ آن هم در زمانه‌ای که بیشتر خریداران، رمان‌ها را بر اساس الگوریتم‌های تر و تمیز وب‌سایت‌ها می‌خرند. البته این کتابفروشی از نظر موقعیت مکانی نیز بی‌نقص است که باعث شده هم‌پای روشنفکران و ماجراجویان کوله‌بده‌ها اهل پیاده‌روی‌های طولانی به آنجا باز شود و هم مورد توجه توریست‌هایی قرار بگیرد که می‌خواهند در یک بازدید مختصر و مفید، پاریس را بگردند. یک ویژگی حیرت‌انگیز این کتابفروشی این است که نویسندگان مشتاق می‌توانند به رایگان آنجا بمانند؛ به شرطی که چند ساعت در کتابفروشی کار کنند، روزانه یک کتاب بخوانند و یک شرح حال کوتاه از خود بنویسند. بخش مهمی از اهمیت این کتابفروشی برای گردشگران، به دلیل تاریخ جالب آن است. فروشگاه اصلی را سیلوایبیج در سال ۱۹۱۹ تاسیس کرد. او یکی از بسیار مهاجرانی بود که پس از جنگ جهانی اول، تحت تأثیر تصویر فریبنده زندگی در پاریس و ارزش کم پول ملی فرانسه، بار سفر بستند و به این شهر آمدند. او به همراه آدرین مونیر، فروشگاه را در سال ۱۹۱۹ در خیابان هشتم دویوبترین در ساحل چپ پاریس افتتاح کردند. کتابفروشی خیلی زود به پاتوق ستارگان ادبیات چون والری لاریاود، ژول رومن، ازرا پاوند، تی. ای. اسلوت، جونا بارنز، اسکات فیتزجرالد، جیمز جویس و از نست همینگوی تبدیل شد. عایدی مالی کتابفروشی اندک بود، اما این برای صاحبان آن چندان اهمیتی نداشت. فروشگاه برای آنان بیشتر شبیه به راه‌اندختن یک جنبش اجتماعی بوده فقط جایی برای فروختن کتاب. دهه ۱۹۲۰ را با دوره‌های ادبی به یاد می‌آوریم، نام مدرنیست‌ها در ذهن تداعی می‌شود و فکرمان به سمت نام‌هایی چون گروتود استاین، آلیس بی تکلاش و گروه بلومزبری مطوف می‌شود. کسانی که تنها به زبان آوردن نام‌شان، ما را به دوره‌ای افسانه‌ای می‌برد؛ دوره‌ای که در آن نویسندگان پیر و جوان با ناشران و



پیمان طالبی

روزنامه‌نگار

بسیاری از گردشگرانی که در طول سفر خود به پاریس، به کتابفروشی شکسپیر و شرکا سر زده‌اند، آن را «جادویی» و «رویاگونه» توصیف کرده‌اند. در وب‌سایت تریپ ادوایزر (TripAdvisor) که یکی از مهم‌ترین وب‌سایت‌های گردشگری دنیاست، بیش از چهار هزار نقد درباره این کتابفروشی نوشته شده است. تعدادی از این نقدها، به جنبه تاریخی آن اشاره می‌کنند؛ فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی که آنجا فیلمبرداری شده و اینکه پاتوق نویسندگان بزرگی چون از نست همینگوی، اسکات فیتزجرالد و جیمز جویس بوده‌است حتی کسانی که به این کتابفروشی امتیاز بالانمی‌دهند و از انبار ناقص کتاب‌ها و شلوغی آن گلهمندند، به دیگران توصیه می‌کنند در سفر به پاریس، سری هم به آنجا بزنند؛ یک کتابفروشی تاریخی در نزدیکی کلیسای نوتردام. شکسپیر و شرکا، به عنوان یکی از شاخصه‌های گردشگری پاریس، که نوامیر امسال صدساله شد، از نظر گردشگران، بعد از برج ایفل و پیش از مجسمه‌های فرشتگان قبرستان پرلاشز رتیه بندی شده است. اما چطور یک کتابفروشی توانست هم‌زمان به یک جاذبه توریستی، یک زیارتگاه و نماد یک شهر تبدیل شود؟ نمونه‌ای معادل شکسپیر و شرکا در هیچ کدام از شهرهای دنیا وجود ندارد. پایتخت بریتانیا، کتابفروشی لندن روی (London Review) را دارد که ساک‌های دستی اش محبوب بچه‌های امروزی گره‌ای است، اما مشتری‌های این کتابفروشی بیشتر به دنبال یک کتابفروشی با انبار پر و مجهز هستند که هر کتابی بخوانند در آن پیدا شود. در سرتاسر شهر لندن هیچ کتابفروشی‌ای نیست که از نظر جاذبه گردشگری بتواند شانه‌به‌شانه بیگین، کلیسای وست مینستر و کاخ یا کینگهام بایستد. هیچ کدام از کتابفروشی‌های لندن برای کسانی که به کتاب و ادبیات‌دلیستی ندارند، جذاب نیستند. البته نباید از این حقیقت غافل ماند که این کتابفروشی به خودی خود یک مکان زیباست.

### قصه‌خوانی

#### سوغاتی علیمراد

«سوغات» کتابی است با پنج حکایت از علیمراد فدایی‌نیا - نویسنده فرم‌گرا و از امضاکنندگان مانیفست شعر حجم - که حکایت‌های آن برای نخستین بار در هفته‌نامه رادیو تلویزیون ملی ایران، «تماشا» به چاپ رسید. نثر فدایی‌نیا، نثری متفاوت و بدیع است و حتی تنه به تنه شعر هم می‌زند. لحن شاعرانه نویسنده داستان شخصیت‌ها را کامل می‌کند؛ سرگشتگی شخصیت‌ها در کنار زبان پریشان نوشته، همه چیز را در ولوله‌ای از هذیان و وهم پیش می‌برد. نحوه روایت فدایی‌نیا داستان‌های او را سخت‌خوان نیز می‌کند. سیبالت ذهن راوی خود را در فرمی منقطع، پریشان و به دور از روابط علی و معلولی عرضه می‌کند و سعی در کندوکاو ذهن شخصیت‌های داستان دارد. داستان‌های فدایی‌نیا - همچنانکه باید داستان باشد - داستان نیست؛ خود را از تاووم ظاهری و پیوندی‌های روایی دور نگه می‌دارد. «هر پاره‌اش خود قصه‌ای است از درون، گاه هر چند خطش و در مجموع تمام نوشته، در اتمسفر طنزگونه و شاعرانه و تا حدودی ملانکولیک، وحدتی داستانی می‌یابد، منتها داستانی از درون، که تنها سایه‌هایی گذران از خارج، از زندگی واقعی بر آن می‌افتد.»



سوغات را انتشارات آوانوشت منتشر کرده است.

### گلچین

#### ترجمه خاطرات

بی‌تردید محمد قاضی را می‌توان از مترجمان بزرگ دوران معاصر کشورمان دانست. او در مهاباد به دنیا آمد و پیکرش نیز پس از درگذشت در ۸۴ سالگی، در همان مهاباد به خاک سپرده شد. وقتی اغلب نوشته‌های یک نویسنده، ترجمه آثار نویسندگان دیگر است، معدود کتاب‌هایی که خود او در آنها در جایگاه نویسنده قرار می‌گیرد، ارزشی مضاعف پیدا می‌کنند. کتاب «خاطرات یک مترجم»، چنین کتابی است. در کتاب خاطرات یک مترجم، جنبه خاطرات از جنبه مترجم بودن نویسنده، پیشی گرفته است. بنابراین، اگر انتظار داشته باشید بسیاری از صفحه‌های کتاب، به خاطرات ترجمه‌های قاضی اختصاص یافته باشد، از خواندن کتاب ناامید خواهید شد. اما آنچه کتاب خاطرات قاضی را خواندنی می‌کند، روایت شیرین روزمرگی‌های زندگی اوست. اتفاق‌هایی که بسیاری از آنها، به مترجمی نویسنده بودن او ربط چندانی ندارند، اما همچنان به خاطر اهمیت شخص محمد قاضی، سندی از تاریخ ادبیات کشور ما محسوب می‌شوند. مناسب است به این نکته هم اشاره کنیم که با وجودی که کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۷۱ منتشر شده، این روایت‌ها و خاطرات، صرفاً دوران کودکی او تا سال ۵۷ را در برمی‌گیرند. این کتاب مهم و ارزشمند را نشر کارنامه به بازار کتاب عرضه کرده است.



### عطف

#### حرف‌های نیما

«شاید بعد از مرگ من حتی این اوراق هم به دست کسی نیفتد یا نداند چه اسمی بگذارد به افکار متفرقه من. بعد از مرگ من خانه یوش من خراب می‌شود، سهم جنگل را پسرعموهای من می‌خورند، نه کسی را دارم علاقه‌مند، نه مرا فرزندی باشد برومند. من می‌میرم و آثار شلوغ و درهم و برهم من می‌ماند و از بین می‌رود. من به زمان زندگی من کمک نکرد که بتوانم با آرامش کارم را تمام کنم.»

این بخشی از یادداشت‌های خواندنی نیما یوشیج پدر شعر نو در کتاب بسیار مهم «یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج» است. این یادداشت‌ها را پسر نیما؛ شرکایم یوشیج از روی نسخه دست‌نویس نیما جمع‌آوری کرده و به وسیله انتشارات مروارید به چاپ رسانده است. اینکه ۵۰ سال بعد از مرگ نیما، هنوز آثار منتشرنشده‌ای از او وجود دارد، به خودی خود می‌تواند چیز هیجان‌انگیزی باشد اما این کتاب یک نکته مهم دیگر هم دارد. اینکه نیما در یادداشت‌هایش درباره آدم‌های مختلف حرف‌های زده و خیلی‌ها نشان جنجالی هستند. در این کتاب نیما شما را به یک مجلس دعوی تمام‌عیار و پر از هیجان دعوت می‌کند که در آن کمتر شخصیت ادبی معاصر هست که از نیش و کنایه‌های این شاعر حساس در امان باشد.



### از هر دری

#### نامه‌های خواندنی

نامه‌ها بخش مهمی از تاریخ مکتوب جهان فرهنگ و هنر را تشکیل می‌دهند. در کتاب «هفده‌خان عشق: فراز و نشیب‌های دلدادگی در نامه‌های مشاهیر» گردآوری کاوه میرعباسی، جنبه‌های مختلف دلدادگی؛ گفتن راز دل، درخواست مهربانی، تأمل در معنای عشق، حسادت، وصال، فراغ و... در آینه‌نامه‌های بزرگان متجلی شده‌اند. نامه‌ها به نزدیکان هم‌دل و محرم‌ان اسرار در واقع همان نقب‌هایی هستند به دنیای درون مشاهیر و چه بسیار جنبه‌های نهفته سرشت و شخصیت‌شان را آشکار می‌سازند؛ به واسطه‌شان درمی‌یابیم فلان فرمانروای جبار چه نازک‌دل بوده در عرصه عواطف و برعکس، شاعری شهره به لطافت احساسات و ظرافت طبع چه سفاک بوده در روابط عاشقانه. علاوه بر شرح این نکات کمتر شناخته‌شده، مجموعه نامه‌های نامداران اطلاعات فرهنگی ادبی، هنری و تاریخی جالبی هم به خوانندگان عرضه می‌دارد. کاوه میرعباسی فراغ تحصیل رشته کارگردانی و زبان اسپانیایی است. همین نگاه سینمایی اوست که هفده‌خان عشق را جذاب و شنیدنی می‌کند. مادر این کتاب با موضوعات ادبی، هنری، و درد دل‌ها و رازهای عاشق و معشوق روبه‌رو خواهیم شد و احساسات مختلف را به خوبی حس خواهیم کرد. «دوری، آرزوی وصال، امید و ناامیدی، مهربانی و خشم، حسادت و... همه احساساتی هستند که با شنیدن این نامه‌ها حس می‌کنیم و به راحتی می‌توانیم خودمان را به جای نویسنده یا دریافت‌کننده نامه‌ها قرار دهیم.



### معرفت

#### مسکوب و داستان ادبیات

«داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع» از آثاری است که در سنت نقد و تاریخ‌نگاری ادبیات ما اثر مهمی محسوب می‌شود. شاهرخ مسکوب، ادیب و اندیشمند معاصر در این اثر با «ایده‌ای سیاسی-تاریخی سراغ تکه‌ای از ادبیات ما می‌رود و بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۵ را بررسی می‌کند تا به تعبیر خودش «نشانی از خاستگاه اجتماعی ادبیات» به دست دهد. نام مسکوب در فرهنگ ما شاید بیش از هر چیز با اساطیر و تفحص او در شاهنامه و آثار کلاسیکی چون تراژدی‌های یونان؛ آشیل گره خورده باشد، اما این کتاب و نیز خاطرات او؛ «روزها در راه» از جمله آثاری اند که ما حاصل مواجهه او با مسائل روز و معاصر است، گرچه مسکوب همواره در پرداخت به اساطیر و کلاسیک‌ها نیز رویکردی مدرن داشت و از همین رو نخستین کسی است که با خوانش یکه‌اش از تراژدی‌های یونان و از فروسی و شاهنامه‌اش، بر وجه معاصرشان دست گذاشت و آن را شناساند. مسکوب در «داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع» رد ادبیات مدرن را از انقلاب مشروطه‌پی می‌گیرد. او معتقد است اندیشه تجدد و امید به دگرگونی اجتماعی که پیامد آن انقلاب مشروطه بود، پس از جنگ جهانی و در چند سال کوتاه غروب قاجاریه و ظهور پهلوی در فرهنگ ما نیز مانند سیاست، یک‌باره تحولی ژرف پدید آورد.



### گلاب و گل

#### شعرهای خانم داستان‌نویس

عطیه عطارزاده فارغ‌التحصیل رشته سینما از انگلیس است. او را بیشتر با داستان‌هایش می‌شناسیم و رمان «راه‌های مردن با گیاهان دارویی» اثری بود که او را به شهرت رساند. «زخمی که از زمین به ارض می‌برید» دومین مجموعه شعر و سومین کتاب اوست. عطارزاده پیش از این کتاب در حوزه شعر، مجموعه شعر «اسب را در نیمه دیگر بران» در سال ۹۵ با همکاری نشر چشمه منتشر کرده است. شعر «شمن» را از این کتاب می‌خوانیم:

با دیوانگی شروع کن / به قبرستان ماشین‌ها پناه ببر / لاستیک‌های سوراخ و واشرهای پوسیده بخور / دهانت را با لوله‌آگزوی شکسته بذر / دور چشم‌هات روغن سوخته بمال / هفت‌ماه بعد شمن می‌شوی / یاد گرفته‌ای نامرئی بشوی / وسط تمام جاده‌های جهان بایستی / فریاد بزنی / بایستید / به اصل خودتان برگردید / شما پیش از آنکه به من برسید / در خواب دانه‌های نکاشته زیتون بوده‌اید / این کتاب با ۱۱۰ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۶ هزار تومان منتشر شده است.

